

ماهنامه

مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایراندولت ایران در نقش مقاطعه کار
تحت کنترل کنسرسیوم نفت

هویدا هنگام تقدیم لایحه «تاریخی» نفت به مجلس، برای برجسته کردن جنبه «انقلابی» قرار داد جدید، اعتراف کرد که میان انحصارات نفتی و ایران در هفتاد و دو سال گذشته روابط و استعماری برقرار بوده است. او گفت: «روابط کشور های تولید کننده با شرکتهای بزرگ نفتی در قسمت اعظم از مدت هفتاد و دو سالی که از تاریخ اولین قرار داد نفتی خاور میانه (قرار داد داریسی) میگذرد، بطور کلی بر اساس امتیاز مستقر بوده و اداره امور صنعت نفت بطور درست در اختیار شرکتهای نفتی قرار داشت. این شرکتهای نفت را بهر صورت و بهر مقدار که خود میخواستند، استخراج میکردند و بهر قیمت و در هر کجا که مایل بودند، بفروش

میرسانیدند. این شرکتهای نفتی بودند که برنامه تولید را تنظیم و جریان نفت را به بازارهای دنیا هدایت میکردند» (تکیه از ما است).

دولت ایران این اعترافات صریح را از آنجهت لازم داشت تا بتواند مناسبات ناشی از قرار داد جدید را مناسباتی از نوع دیگر جلوه گر سازد و مدعی شود که ایران از این پس «حاکمیت کامل و مطاق» خود را بر منابع نفتی خود برقرار کرده است. قراردادهای جدید را میتوان از جوانب مختلف (اقتصادی، مالی، سیاسی، حقوقی و غیره) مورد بررسی قرار داد. ولی ما در اینجا فقط حدود اختیارات دولت ایران و کنسرسیوم را بر پایه همان ملاکهایی که نخست وزیر کشور در سخنان خود در مجلس تعیین کرده و ما بدان اشاره کردیم، مورد بررسی قرار داده نشان خواهیم داد که در در بیست سال آینده نیز همان مناسبات نو استعماری ۷۲ ساله، ولو بطور مستور تر و ظاهر فریب تر، بجای خواهد ماند و بر خلاف ادعای دولت حاکمیت کامل و مطلق ایران بر منابع نفتی خود برقرار نخواهد شد.

کنترل تولید و صادرات

در دست کیست؟

میزان تولید نفت در حوزه قرار داد بر حسب میزان مصرف داخلی ایران و میزان

ایران را تربیت سیاسی که بوسیله تشکیلات حزبی عمل میشود، بشود (فصاحت کلام از نگارنده مقاله نیست) که بعدها انشاء الله برای همیشه (!) وضع مملکت ما ثابت بماند. در واقع وظیفه ای که بدو حزب ایران نوین و مردم واگذار شده است از آغاز جز این نبوده و اکنون نیز بغیر از این نیست که با گردآوری افرادی از هواداران یا استفاده جویان رژیم کنونی و با تقلید مضحکی از اصطلاحات سازمانی و اسلوبهای تشکیلاتی احزاب ملی و ترقیخواه بویژه حزب توده ایران، چنین جلوه دهند که گویا در کشور ما آزادی عقیده و اجتماعات لاقابل در چارچوب نظم موجود مجاز و محترم است.

اینکه مردم ایران هرگز فریب این نیرنگ را نخورده اند و صحنه سازیها و جنگ زرگریهای باصطلاح انتخاباتی و اقلیت و اکثریت بازی نمایندگان دو حزب در باری در مجلس و سنایک آن هم نتوانسته است کسی را بفزاید، امری است که هم برای شاه و هم برای گردانندگان هر دو حزب روشن است.

شاه در اظهارات ۱۶ شهریور ماه خود تلویحاً باین واقعیت اعتراف میکند و برهبران احزاب آفریده خویش بدینسان اندرز میدهد: «البته کوشش من کافی نیست و هر حزبی که معتقد و مؤمن به این اصول هست، آنها هم باید سعی بکنند که وظیفه خودشان را انجام بدهند یعنی بیشتر در افکار مردم رسوخ دنباله در صفحه ۴

پابلو نرودا
در گذشت

بزرگترین شاعر قرن بیستم، دارنده پاداش لنینی صلح و دارنده جایزه ادبی نوبل، پابلو نرودا عضو حزب کمونیست شیلی و سفیر دولت «گونی داد پیوپولار» در فرانسه، دوازده روز پس از کودتای فاشیستی ژنرال پینوشه و باندا او، در گذشت و بدوست و همزم شهید خود دکتر سالوادور آلبنده پیوست. فاشیستهای شیلی خانه شاعر را بمحض در گذشت او غارت و ویران کردند.

در سال ۱۹۷۰ هنگامیکه نرودا جایزه نوبل را دریافت کرد، آلبنده در این باره گفت:

«این بیروزی خلق شیلی است زیر اشعر نرودا تمام شیلی را در خود نهفته دارد.»

اینک شعری از نرودا:

می پرسید، چرا شعر او

برای ما از فسانه ها، از برگها

از آتش فشان وطن سخن نمیگوید؟

بیائید خون را در خیابانها ببینید!

بیائید و ببینید

خون را در خیابانها!

بیائید آخر و ببینید خون را

در خیابانها!

پابلو نرودا - «پیام یک شاعر»

صادرات آن تعیین خواهد شد. تا زمانیکه استخراج نفت در این منطقه با هزینه کم، سود هنگفت تأمین کند، میزان تولید بطور عمده به میزان صادرات وابسته خواهد بود. و بطوریکه از مواد قرار داد جدید بر میآید، میزان صادرات، مانند گذشته، تحت کنترل اعضای کنسرسیوم تعیین خواهد شد.

نفت صادراتی حوزه قرار داد از دو بخش تشکیل میشود: ۱) بخشی که بوسیله اعضای کنسرسیوم از ایران خریداری و صادر

دنباله در صفحه ۲

کشور همسایه ما افغانستان به جانب

افق های تازه ای پیش می رود

محمد ظاهر شاه خارج و آنرا در جامعه امید بخش تازه ای وارد سازد.

رژیم جدید افغانستان پس از آنکه مواضع خود را تحکیم کرد به تنظیم خط مشی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خود پرداخت. رئیس جمهور افغانستان در نطق خویش بمناسبت ۵۴مین سال استقلال افغانستان در ۲۴ ثوت ۱۹۷۳ در رادیوی کابل خطوط اساسی تحولاتی را که در نظر است در دنباله در صفحه ۳

روز ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۳ در کشور همسایه و همزبان ما افغانستان تحول تاریخی بزرگی رخ داد: سلطنت الغاء گردید و جمهوری اعلام شد. نخستین رئیس جمهور افغانستان محمد داود خان از سال ۱۹۵۳ تا سال ۱۹۶۳ نخست وزیر افغانستان بود و در کشور خود بعنوان یک سیاستمدار ترقیخواه و فعال شهرت یافته است. وی به همراه جمعی از افسران جوان ارتش موفق گردید کشور را از سیاست را کد و عقب ماند رژیم سلطنتی

سازمان مرکزی جاسوسی امریکا (سیا) مؤلف اصلی فاجعه خونین شیلی است.

در باره فاجعه شیلی یک شعر سفید را در صفحه سوم همین شماره تحت عنوان «دکتر سالوادور آلبنده گونسس» ملاحظه فرمائید.



دولت ایران در نقش مقاطعه کار تحت کنترل کنسرسیوم نفت

خواهد شد. ضمناً این بخش عمده نفت صادراتی را تشکیل خواهد داد، ۲) بخشی که ایران خود را به صورت صادراتی خواهد پرداخت. تعیین میزان نفت صادراتی کنسرسیوم مطابق بوسیله خود اعضای این کنسرسیوم انجام خواهد گرفت (جزء ب، ماده ۳ و جزء الف، ماده ۱۶). یعنی سر نوشت صادرات نفت که خود عامل عمده تعیین کننده میزان تولید است کاملاً در دست کنسرسیوم باقی خواهد ماند.

البته، کنسرسیوم بمثابة خریدار حق دارد که بر حسب احتیاجات صادراتی خود، تا آنجا که منافع واقعی کشور ما ایجاب میکند، هر قدر که بخواهد از ایران نفت خریداری کرده صادر نماید. ولی ایران نیز، اگر واقعاً اختیار منابع نفتی خود را در دست داشت، کاملاً محق بود که پس از تأمین حوائج صادراتی کنسرسیوم، بهر میزان که مایل و قادر است، نفت خام استخراج کرده و بجزوی که به صلاح کشور باشد، صادر نماید. قرارداد جدید این حق را از ایران سلب کرده است. میزان و حدود نفتی که ایران حق دارد، خود راساً صادر کند، از قبل در قرارداد قید شده است. سهم صادراتی ایران که در قرارداد تحت عنوان «مقدار مشخصی» اصطلاح شده، روزانه از ۲۰۰ هزار بشکه در سال ۱۹۷۳ تا حد اکثر ۱۰۵ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۱ تعیین شده است. از سال ۱۹۸۱ به بعد نیز برای تعیین حد اکثر میزان نفت صادراتی ایران ملاکهای معینی برقرار شده که ایران نمیتواند از آن تجاوز کند. در قرارداد گفته میشود: «نهایت حد مقدار مشخص عبارت خواهد بود از یک میلیون و پانصد هزار بشکه در روز یا ۵۰ درصد نفت خام آماده صدور در سال مورد بحث، هر کدام که کمتر باشد» [بند (ب)، جزء ب، ماده ۲].

یعنی اگر مثلاً میزان کل صادرات از ۳ میلیون بشکه در روز تجاوز کند، چون ۵۰ درصد آن بیش از ۱۰۵ میلیون حد نصاب سهم ایران خواهد بود، ایران حق خواهد داشت فقط ۱۰۵ میلیون بشکه صادر کند، ولی اگر میزان کل صادرات از ۳ میلیون بشکه کمتر (مثلاً ۲ میلیون بشکه) باشد، سهم ایران ۵۰ درصد آن (مثلاً ۱ میلیون بشکه) خواهد بود. چنانکه می بینیم ایران در بهره برداری از منابع نفت حوزه قرار داد برای صادرات بهیچوجه آزادی عمل ندارد.

ولی دستگاه تبلیغاتی رژیم، علیرغم نص صریح قرارداد، مدعی میشود که ایران در تعیین میزان صادرات نفت آزاد است، یعنی وضع سابق دیگر تکرار نخواهد شد. پرویز مینا، عضو هیئت مدیره شرکت ملی نفت در جلسه ای که برای تشریح قرارداد جدید، برای رؤسای دانشکده ها و استادان دانشگاهی، یعنی عالیترین مقامات علمی کشور تشکیل شده بود مدعی شد که ایران «هر مقدار هم

که لازم داشته باشد، نفت مستقیماً به کشورها و بازارهای بین المللی عرضه و صادر میکند». در اینجا توضیح مختصری در باره قسمتی از قرارداد، ضروری است. در ماده ۳ (جزء د) گفته میشود: «هر گاه در سالی مقدار نفت خام آماده فروش به شرکتهای بازرگانی... بیش از مقداری باشد که... توسط شرکتهای بازرگانی اعلام گردیده است، مقدار اضافی مزبور در اختیار شرکت ملی نفت ایران قرار خواهد گرفت تا در ظرف آن سال به حساب خود صادر نماید». این ماده ظاهراً برای ایران حق استفاده بیشتر از منابع نفتی خود برای صادرات را بوجود میآورد. ولی مواد دیگر قرارداد امکان استفاده از این حق را نیز عملاً از ایران ساقط کرده است. مثلاً مطابق جزء الف ماده ۳ قرارداد، ایران موظف است که تا اول سپتامبر هر سال میزان «نفت خام آماده فروش به اعضای کنسرسیوم» را برای سال بعد اعلام دارد و اعضای کنسرسیوم نیز مطابق جزء ب همین ماده باید میزان حوائج صادراتی خود را تا اول اکتبر، یعنی اقلایک ماه پس از آگاهی بر میزان نفت آماده فروش، به اطلاع ایران برسانند. طبیعی است اگر کنسرسیوم برای صدور تمام «نفت آماده فروش» بازار داشته باشد، تمام آنرا خریداری خواهد کرد و دیگر برای ایران مازادی باقی نخواهد ماند تا بعل خود صادر کند.

نکته جالب آنکه طبق قرارداد سهم صادراتی دولت ایران حتی از لحاظ نوع و درجه نفت خام نیز تابع نوع و درجه نفت خامی خواهد بود که کنسرسیوم از ایران خریداری و صادر میکند (جزء ب، ماده ۲). باید اضافه کنیم، که چنانکه سابقه امر نشان میدهد، ایران در تعیین بازار و قیمت فروش سهمیه خود نیز آزادی عمل ندارد و باید سیاست عمومی کنسرسیوم را در این زمینه رعایت نماید.

چنانکه دیده میشود، میزان صادرات و بالتبع میزان تولید نفت خام ایران در حوزه قرار داد، مانند گذشته، عملاً بوسیله کنسرسیوم تعیین خواهد شد و ایران در این مورد، در بهترین حالت، فقط حق چانه زدن خواهد داشت.

کنترل برنامه های گسترش و سرمایه گذاری در دست کیست؟

برنامه های تولیدی نفت خام در حوزه قرار داد، بر پایه حوائج پنجساله اعضای کنسرسیوم به انواع مختلف نفت خام تنظیم خواهد شد (بند ۱، جزء الف، ماده ۱۶). یعنی برنامه های تولید و گسترش و سرمایه گذاری ایران بطور غیر مستقیم تحت کنترل کنسرسیوم نفت خواهد بود. ممکن است گفته شود که اگر کنسرسیوم خریدار عمده نفت ایران است، برنامه های تولیدی نیز باید بر پایه حوائج آن تنظیم گردد، بر این حکم همان ایرادی وارد است که سابقاً به آن اشاره کردیم. و آن اینکه ایران در تعیین میزان

نفتی که خود راساً باید صادر کند آزادی عمل ندارد. اگر ایران در تعیین میزان نفتی که راساً صادر میکند، آزاد بود، آنرا نیز بمثابة عامل مستقلی وارد برنامه های خود میکرد، کار گسترش تولید و سرمایه گذاریهای لازم را نه فقط بر حسب حوائج کنسرسیوم، بلکه بر حسب نیازمندیهای مستقل خود نیز انجام میداد. که عملاً چنین نیست.

ولی آنچه که مهمتر است، اینست که کار کنسرسیوم به این کنترل غیر مستقیم محدود نمیشود. قرار داد در موارد عیدیه و در موارد مختلف دخالت و کنترل مستقیم کنسرسیوم را در تمام مراحل برنامه ریزی و در تمام مراحل عمل از اکتشاف و استخراج گرفته تا سرمایه گذاری تأکید و تسجیل کرده است:

«در دسامبر هر سال شرکت ملی نفت ایران و اعضای کنسرسیوم جهت مشورت در باره طرح موقت اکتشاف و گسترش ظرفیت برای مدت ۵ سال... تشکیل جلسه خواهند داد» (بند ۲، جزء الف، ماده ۱۶)؛

«شرکت ملی نفت ایران... با توجه لازم به مشورت با اعضای کنسرسیوم... طرحی موقت برای برنامه پنجساله اکتشاف و گسترش ظرفیت تهیه خواهد کرد» (بند ۳، جزء الف، ماده ۱۶)؛

«شرکت ملی نفت ایران درسیستم هر سال بودجه سرمایه ای سال بعد را تنظیم خواهد کرد و رونوشتی از آنرا برای اعضای کنسرسیوم خواهد فرستاد. در همان وقت شرکت ملی نفت ایران رونوشتی از آخرین طرح برنامه پنجساله گسترش ظرفیت و نیز برآوردی (با دقت تقریبی ۲۵ درصد) از هزینه های سرمایه های سالانه موجود به آنرا برای اعضای کنسرسیوم خواهد فرستاد» (بند ۴، جزء الف، ماده ۱۶)؛

«در دسامبر هر سال شرکت ملی نفت ایران رونوشتی از بودجه تهیه شده مربوط به برآورد هزینه های جاری را برای سال بعد همراه با پیش بینی هزینه های جاری برای دومین سال آینده... جهت اعضای کنسرسیوم خواهد فرستاد» (بند ۵، جزء الف، ماده ۱۶)؛

«در آوریل یا در سال بعد شرکت ملی نفت ایران و اعضای کنسرسیوم برای بررسی برنامه های سوخت اکتشاف و گسترش

ظرفیت که... بوسیله شرکت ملی نفت ایران تهیه شده است، تشکیل جلسه خواهند داد. شرکت ملی نفت ایران با توجه به نظریات

اعضای کنسرسیوم اساس برنامه تفصیلی اکتشاف و گسترش ظرفیت و بودجه های سرمایه ای و جاری سال بعد را... معین خواهد کرد» (بند ۶، جزء الف، ماده ۱۶).

چنانکه می بینیم تمام برنامه های تولیدی و مالی دور و نزدیک شرکت نفت ایران در تمام مراحل با نظارت و دخالت مستقیم کنسرسیوم تنظیم خواهد شد. کنسرسیوم علاوه بر این تعهدات کتبی که در قرارداد مسجل شده و به تصویب قوه مقننه ایران رسیده است، حربه دیگری برای تحمیل تمام نظریات خرد

در دست دارد و آن تأمین ۴۰ درصد سرمایه های لازم برای توسعه فعالیتهای نفتی در حوزه قرار داد تحت عنوان «مساعده» است. و این حربه در شرائطی که دولت ایران در نتیجه هزینه های هنگفت نظامی خود که معمول پیروی از سیاستهای امپریالیسم است، قادر به تأمین سرمایه لازم نیست، برندگی برآب بیشتر خواهد داشت. بخصوص که کنسرسیوم حق تغییر در این «مساعده» را برای خود محفوظاً نگاه داشته است (جزء ج، ماده ۱۱). کنسرسیوم با استفاده از این حق خواهد توانست نظریات خود را با تهدید به کاهش و یا قطع این مساعده، بدولت ایران تحمیل کند. و از اجرای طرحی که بسود خود نمیبیند جلوگیری نماید.

تازه شرکت نفت «وظیفه تهیه برنامه ها و بودجه های تفصیلی» فوق الذکر را تماماً به عهده مؤسسه ای بنام «شرکت خدمات» گذارده است که از طرف اعضای کنسرسیوم تشکیل خواهد شد و شرکت نفت ایران «تمام سرمایه و سایر وجوهی را که برای عملیات محوله به شرکت خدمات لازم است» در اختیار آن بگذارد. اگر چه برای فعالیت این شرکت مدت اولیه پنج ساله در نظر گرفته شده، ولی در قرار داد احتمال ادامه فعالیت آن بطور ضمنی پیش بینی شده است. بهر حال، دولت ایران لا اقل برای مدت پنجسال اول قرارداد، حتی از شرکت مستقیم در امور نفت محروم خواهد بود.

امور مربوط به پالایشگاه آبادان و فعالیت در زمینه تولید گاز مایع طبیعی فرآورده های آن نیز تحت نظارت کنترل کامل کنسرسیوم انجام خواهد گرفت.

شرکت ملی نفت ایران برای انجام سرمایه گذاریهای لازم در پالایشگاه آبادان «نظریات شرکتهای بازرگانی را ملحوظ قرار خواهد داد» (جزء ۶، بند ب، ماده ۴)؛

شرکت ملی نفت ایران، از تأمین مصرف داخلی کشور و احتیاجات کنسرسیوم «بخواهد از ظرفیت اضافی پالایش برای منظور صادرات استفاده کند، مراتب را به شرکتهای بازرگانی اطلاع خواهد داد تا ترتیبات مرضی الطرفین در این باره برقرار گردد» (جزء ۸، بند ب، ماده ۴)؛

«شرکت ملی نفت ایران هر طرحی را که برای احداث تأسیسات تازه بمنظور تهیه گاز مایع طبیعی داشته باشد، با اطلاع اعضای کنسرسیوم خواهد رساند» (جزء الف، ماده ۱۴)؛

«امور مربوط به سازمان، تأمین سرمایه، ساختمان، عمل کرد کارخانه های تصفیه و حمل گاز مایع طبیعی یا فرآورده های گاز مایع طبیعی که در آنجا ساخته میشود، به نقطه صدور و همچنین شرایط مالیاتی ناظر بر اینگونه طرح ها در هر مورد باید بین شرکت ملی نفت ایران و اعضای کنسرسیوم مورد بحث و توافق واقع شود» (جزء ب، ماده ۱۴).

پادشاه گو خون بریز و شهنه گو گردن بز
بهر جانی ترك جانان منهد اجباب نیست .
امیر خسرو دهلوی

دکتر سالوادر آلینده گوسنس

— ۱ —

انحصار های غول پیکر ایالات متحده :
« ستاندارت ایل » ، « یونایتد فروت » ،
« آی تی تی » ، « آنا کوندا »
و نامهای منحوس دیگری از این قماش ،
در امریکای لاتین نظامانی شایسته خودشان
بوجود آورده اند :
بالای سر یک جامعه غارت شده
یک « الیگارش » پر زرق و برق از خر
پولهای محلی
چاکران و مباشران خود آنها ،
و برای حفظ یغماگری این
« الیگارش »

و بویژه برای حفظ چپاول انحصار ها
یک « خونت » ،
باندی از ششکه بند های بی مغز
که مردم بآنها لقب پر معنی « گوریل »
داده اند ،
موجوداتی بی ادراک ، جانور صفت ،
طیانچه به کمر

با چکمه های خون آلود
آماده برای سوختن ، کشتن ، بر دارزدن .
از « آریس » رئیس جمهور گواته مالا
تا « دکتر سالوادر آلینده گوسنس »
رئیس جمهور شهید شیلی ،
گوریل ها بفرمان انحصار ها و الیگارش
۱۸ بار چماق خود را بی پروا فرود
آوردند .

دکتر سالوادر آلینده

این پزشک نجیب شخصت و پنج ساله
که ایمانش به آرمان خلق چون کوههای
آند یا برجا بود .
در « لامونه دا » - کاخ کهن ریاست
جمهوری

چندان ایستاد
تا گوریل ها او را با هفده ضرب گلوله
از پای در آوردند .
این پایان یک حماسه شورانگیز ، یک
افسانه شکر زمی ،
ولی آغاز یک اسطوره جاوید بود :
اسطوره رئیس جمهوری شهید
که مظهر تابانی است از وفاداری به
رنجیدگان ،

اسطوره ای که طی زمان چون جادو
نیرو میگردد
و همچون وزش طوفان پرتوان تر میشود ،
تا آنجا که « کاخ سفید » و « پنتاگون »

نهیب آنرا در دیوار های لرزان خود
احساس کنند .
حتماً و مسلماً احساس خواهند کرد . . .

— ۲ —

دکتر سالوادر آلینده گوسنس !
کسی که در این جنگل دژخیمان زر
پرست
آنهمه وسواس و عشق برای قانون ،
دمکراسی ، بشر دوستی داشت
سر انجام از جانب کسانی که در برابرش
خبردار می ایستاده اند
و خود را باو خدعه گرانه « وفادار » نشان
میدادند

بیرحمانه دشته زهر آگین خورد .
و اینک : آن دستگاه « متمدن » سرمایه
داری غرب
که روزی برای « سوسیالیسم دارای چهره
انسانی » اشکباری میکرد
و امروز برای عوامفریبانی از نوع
ساختار ف

زوزه گوشخراش بلند می کند ،
در قبال کشتار « سانتیاگو » و « واپاره
گیزو »
در برابر تیرباران جمعی ، کتاب سوزانی
در باره شکنجه های حیوانی بازداشتگان ،
در برابر کسانی که انگشتهای خون آلود را
روی فرنج نظامی پاک می کنند
در باره شکنجه آخرین لحظات « یابلونودا »
بزرگترین شاعر امریکای لاتین

در برابر خانه هایی که موشک و تانک
آنها را شعله ور و ویران میسازد ،
یا خاموش است یا به سفسطه های مبهم
بسنده می کند .
بنظر آنها در این قیامت خون آلود
اگر گناهکاری هم در میان باشد
این تنها « آلینده » است *
که در دفاع از مردم یا برجا بود

و به راهزنان اجازه نداد که در پرده
قانون راهزی کنند
و آنها را واداشت که سرانجام پوزة کریه
خود را نشان دهند
و ساطور های خود را بجزکت در آورند ،
آری ، غرب سرمایه داری همیشه در اوج
جنایت بود
و اینک به قله سالوسی نیز دست یافته است .

— ۳ —

در پشت سر باند فاشیست گوریل ها و
چکمه های خون آلودشان

سایه سیاه « سیا » دیده میشود ،
ما با این سایه ابلیسی آشنا هستیم :
آنرا در جریان سقوط دکتر محمد مصدق
دیده ایم ،
آنرا در جریان کشتار هراس انگیز
اندونزی

در تراژدی شهادت لومومبا
در فتنه « سرهنه گهای سیاه » یونان دیدیم .
آری ، فاجعه شیلی برای ما ناشناس نیست
ما دیگر اکنون « الیگارش » خود را
داریم

و « خونتای » خود را داریم
و گورینهای خود را داریم
و گوریل گوریلها را با تاج مرصع و جبه مرصع
و چکمه و مش و نعره و زرق و برق
و ساواک و شکنجه گاه و باغ مهرا و
دادگاه نظامی
و تیربارانها و تیربارانها و تیربارانها !
و انحصار های شبک پوش که از غرب
آمده اند

و در هتل های ساحل خلیج
بهنگام پارتی های قمار سرنوشت ایران را
حل می کنند
و بر روی نفت ، مس ، اورانیوم دست
می گذارند

تهران ما هم با کویهای طلائی و ویلاهای
اشراقی آراسته میشود
با استخرهای آبی ، چمن آفریقائی ، پارک
های معطر ، پارتی های جواهر نشان
و در همه جا زائغه های گرد آلود فقر
دامن میکشد ،
و حسرت یک شکم سیر ویک کار تأمین شده ،
آری ، گوساله سامری در ایران نیز « تمدن
بزرگ » خود را بوجود می آورد
« بدست ایرانی و بقدر ایرانی » !!

— ۴ —

هفته گلوله در پیکر دکتر سالوادر آلینده
و هر گلوله ای پاسخ یک « جنایت » نبخشودنی
این پزشک انسان دوست :

پاسخ شیر های مجانی به کودکان فقیر
پاسخ زمینهای تقسیم شده بین دهقانان بیچیز
پاسخ معدن « ال ته نینت » که بدست
کارگران افتاد ،

پاسخ خانه های ارزان برای مستمندان ،
پاسخ استقلال اقتصادی کشور ،
پاسخ دمکراسی اصیل بسود محرومان
پاسخ پذیرائی پر هیجان از قیدل کاسترو
پاسخ دوستی با اتحاد شوروی
پاسخ نبرد قهرمانانه با غول امپریالیسم
پاسخ برپا داشتن مجسمه چه گوارا
مجسمه ای که اینروزها سرنگون شد ،
الحق که دکتر آلینده سخت به دشمن
بدهکار بود

و همه بدهی خود را با خون خود پرداخت
ولی این خون مقدس مانند شراب ناب
پیکر امریکای لاتین را

دنباله از صفحه ۱

کشور همسایه ما افغانستان

بجانب اقمهای تازه ای پیش میرود

افغانستان عملی شود رسم کرد و چنین گفت :
ما در زندگی اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی
کشور خودمان تغییرات اساسی ایجاد خواهیم
کرد . مهمترین وظیفه جمهوری جوان آنست
که مبانی نظام جدید را تحکیم کند و
برای حفظ امنیت کامل آن تدابیر لازم را
بیاندیشد و برای آنکه خلق افغانستان یک
دمکراسی با ثبات و خالی از تبعیض دسترس
یابد ، قانونیت را در سراسر کشور تضمین نماید .
محمد داود خان اطلاع داد که
بزودی کمیونیونی برای تنظیم قانون اساسی
جدید تشکیل خواهد شد و برای از میان
بردن عقب ماندگی افغانستان باید تغییرات
بنیادی در کشور وجود آید و اقتصاد مستقل ،
مترقی و دارای رشد موزون و هماهنگ ایجاد
گردد . رئیس جمهور افغانستان بدین مناسبت
سیاست رژیم سلطنتی را مورد انتقاد قرارداد
و گفت باید به ایجاد صنایع سنگین در افغانستان
توجه گردد و لذا در مورد بخش دولتی باید
تصمیمات قاطع گرفته شود و در عین حال به
بخش خصوصی و صنایع متوسط و کوچک و
پیشهوری کمکهای ضرور مبنول شود . رئیس
جمهور یاد آور شد که قانون اصلاحات ارضی
تنظیم و اجراء خواهد شد و تصریح کرد که
باید در روستای افغانستان شرکتهای تعاونی
تولید بوجود آید . وی گفت یک برنامه
اصلاحات اجتماعی نیز در دست تهیه است که
نکات عمده آن عبارت است از تعیین حداقل
مزد برای کارگران ، اجراء مزد مساوی برای
کار مساوی ، تأمین حق کامل زنان در جامعه
اقان و مساوات آنها با مردان .

محمد داود خسان گفت که
جمهوری جوان اصلاحات خود را بدون عجله
دنباله در صفحه ۴

گرم خواهد ساخت

مانند کوره خورشید خواهد درخشید
و بریگاد های « گونی داد پوپولار » را
بسوی خود خواهد خواند
که از زیر موشکها ، گلوله ها ، چکمه ها ،
تانک ها

از میان ورزشگاهی که به میدان تیر و
اردوگاه اسیران بدل شده ،
از میان کارخانه هایی که شعله ورنند
بسوی او بروند

بسوی خورشیدی که هرگز خاموش
نخواهد شد .
این خون نقاب بسی سالوسی ها را میدرد
و دود بسی پندار ها را بر باد میدهد
و واقیعت عریان یک نبرد مهیب طبقاتی را
در برابر دینه ها می گسترد
و بشریت مظلوم را به نبردی هرچه سرسخت
تر دعوت میکند .

۱۰ سپهر

بن بست حزب بازی در رژیم آریا مهری

کنند و با مردم تماس داشته باشند، مردم به آنها اعتماد کنند و جداً قبول بکنند که منافق آنها و یا طرز فکر آنها را یکی از این تشکیلات منعکس میکند.»

ولی صرفنظر از ماهیت طبقاتی و خصالت فرمایشی این احزاب که ذاتاً امکان جلب اعتماد و قبول واقعی توده های مردم را نمی بیند، اصولاً یگانگی منشاء درباری و حدود تنگی که اجباراً باید فعالیت هر یک از آنها در درون آن انجام گیرد بخودی خود با هدفها و وظایفی که در برابرشان قرار داده شده است متضاد است. از اینروست که سیستم دو حزبی رژیم دائماً در حال بحران است و هر چند گاه یکبار مداخله مستقیم شخص شاه لازم میشود تا موقتاً از تلاشی آن جلوگیری بعمل آید.

در واقع علاوه بر آنکه هر دو سازمان از لحاظ ایده تلوژی یکسانند، امکان اینکه خط مشی و شیوه عمل سیاسی مشخصی برای خود اختیار کنند ندارند.

هر دو سازمان اجباراً باید اصول ادعائی «انقلاب شاه و مردم» را پایه خط مشی سیاسی خویش قرار دهند، هر دو باید شخص شاه را رهبر خود بدانند، رژیم استبداد سلطنتی و سیستم ترور و اختناق را سلطنت مشروطه بخوانند؛ بکلیه موارد نقض قانون اساسی صحنه بگذارند و طبق «اوامر انقلابی شاهنشاه عمل کنند». هیچیک از دو حزب مطلقاً حق اظهار نظر در امور ارتش و سازمان امنیت ندارند. مسئله تسلیحات و نفت و قرار داد های مهم سیاسی و اقتصادی خارج از حدود صلاحیت آنهاست. مسائل عمده سیاست خارجی و داخلی را شاه شخصاً حل و فصل میکند و حتی در امور اقتصادی و مالی و نقشه ریزی مداخله مستقیم دارد و خلاصه در کلیه امور مهمه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور دو حزب ساخته شده بوسیله رژیم فاقد، حق اظهار نظر مستقل هستند.

بدیهی است در چنین وضعی اختلاف دو حزب درباری فقط میتواند بر سر این باشد که کدامیک بهتر اوامر شاه را درک کرده و میتواند بموقع اجرا در آورد. در اینمورد هم حزبی که دولت را اداره میکند در برابر رقیب همقطار خود برهان چماق وار و بالنتیجه قانع کننده ای در دست دارد و آن اینست که «تشخیص صحت اجراء منویات ملوکانه با خود شاهنشاه است و همین امر که رئیس دولت وقت مورد اعتماد است بهترین دلیل اجراء صحیح اوامر است.»

بدیهی است در اینصورت دیگر چیزی جز ایراد گیری در جزئیات و مسائل شخصی و خصوصی برای حزبی که نقش اقلیت بوی تفویض شده باقی نمی ماند، حزب مردم یکی دو بار کوشید از این حربه استفاده

کرده سازمان رقیب را بگوید ولی چون کار به پرده داری و افشاء برخی از رسواییها کشید که مآلاً نمیتوانست به سرتاسر رژیم حاکم سرایت نکند با تذکرات شاه مواجه گردید و ناچار شد دم فرو بندد. بهمین جهت پس از انتخابات، بحران داخلی حزب باصطلاح اقلیت تشدید گردید و کار بجائی کشید که برخی از اعضا رهبری سازمان مزبور اساس سیستم دو حزبی را مورد تردید قرار دادند و عدم لزوم آنرا در چنین شرایطی گوشزد نمودند. ولی از آنجائیکه تلاشی حزب مردم بخودی خود بمنزله شکست سیستم «حزب» شاه بود ناگزیر میبایستی با سر هم بندیهای داخلی و تغییر در کادر رهبری حزب و برخی وعده و وعید های سطحی بکوشند تا ظاهر امر را بیارینند. ولی این تدابیر دردی را دوا نکرد و پس از اجراء اوامر شاهانه در باره «اصلاح حات درون حزبی» مسئله اساسی یعنی وظیفه واقعی حزب همچنان حل نشده باقی ماند. اظهارات اخیر شاه خطاب به گردانندگان حزب مردم بجای آنکه راهی بگشاید بعکس آب پاکی را بروی دست آنها ریخت. در این گفتار شاه ضمن اشاره باینکه هر دو حزب دارای یک هدفند و اقدامات «هیچکدام مملکت را زیر و رو نمیکند و از بنیان عوض نمیکند» مسئله تفاوت دو حزب را متحد تفاوت در سلیقه ها باین آورد و دشواری «حزب

اقلیت بودن» را باینطریق توجیه نمود که چون «مملکت رو به پیشرفت است ایراد گرفتن کار آسانی نیست مگر اینکه انسان وارد جزئیات بشود» و سرانجام در مورد ایراد گرفتن در جزئیات نیز حدودی قائل شد که در واقع امکانات حزب اقلیت را در برابر حزبی که دولت را در دست دارد بیش از پیش بصفر نزدیک نمود. شاه پس از آنکه به سردمداران حزب مردم گوشزد نمود که ایراد ها را طوری انتخاب کنند که «عنوان کردن یا بزرگ کردن آن لطمه ای باساس مملکت نزنند و در استعمال کلمات حس مسئولیت داشته باشند» یکبار دیگر کوشید تا با عبارات مبهمی از این قبیل: «ولی هنوز هیچ دلیلی نیست که مرا منصرف از آن کند که بالاخره آتی ما به بهترین وجهی از طریق حزب و رژیم پارلمانی نماینده مردم بوسیله حزب مورد علاقه شان تأمین خواهد شد» آنها را در نقش «بمیر و بدم» خود بوعمده آینده امیدوار سازد.

بدینسان دیده میشود که کار صحنه سازی «حزب» رژیم به بن بست غیر قابل عبوری کشیده است. این بحران، بنیادی و بی درمان است، زیرا برای رژیم سلطنت مطلقه و ترور پلیسی ایران اصولاً وجود احزاب مستقل و مختار، حتی در کادر هوا داری از نظم موجود، قابل تحمل نیست و بهمین سبب دو حزب درباری بجز کوشش در اجراء تصمیمات شاه و آرایش رژیم موجود نمیتوانند نقش دیگری ایفا کنند.

۱. کیوان

دولت ایران در نقش مقاطعه کار تحت کنترل کنسرسیوم نفت

چنانکه می بینیم، بر خلاف ادعای شاه و هویدا و دستگاههای تبلیغاتی رژیم، تولید و صادرات و برنامه های تولیدی و سرمایه گذاری و بطور کلی تمام امور صنعت نفت ایران در حوزه قرار داد، در بیست سال آینده نیز مانند ۷۲ سال گذشته تحت نظارت و کنترل مستقیم انحصارات نفتی باقی خواهد ماند. و اما در باره این گفته هویدا که انحصارات خارجی سابقاً نفت را «بهر قیمت و در هر

کجا که مایل بودند، بفروش میرسانیدند» باید گفت که این کاری است که در ۲۰ سال آینده نیز انجام خواهد گرفت، زیرا در قرار دادی که دولت هویدا منعقد کرده و به تصویب مجلسین و توشیح شاه رسیده باصراحت تمام گفته میشود: اعضای کنسرسیوم و شرکت های بارر گانی... و همچنین شرکتهای وابسته و خریداران هر یک از آنها آزادی کامل

خواهند داشت که نفت خام خریداری شده بموجب این قرار داد و فرآورده های ساخته شده از آن را برای صدور و مصرف در خارج از ایران به هر کس و به هر قیمت که هر کدام از آنها شخصاً تصمیم بگیرد، واگذار کنند» (ماده ۲۰).

کنسرسیوم علاوه بر اینها، تمام امور دیگری را که در عرصه فعالیت یک مؤسسه اقتصادی میتواند قرار گیرد، از قبیل نحوه محاسبه هزینه های جاری و تعیین هزینه تولید، چگونگی و میزان تعیین استهلاک، طرز تسعیر ارزها، نحوه محاسبات و اصول و شیوه های حسابداری و غیره را بتفصیل در قرارداد گنجانده است، تا ایران نتواند در هیچ زمینه ای که مورد نظر کنسرسیوم بوده است، کوچکترین گامی بابتکار خود بردارد. در این قرار داد ایران موظف شده است که هر چند یکبار صورت تمام حسابهای مالی و گزارش تمام فعالیت های خود را به اطلاع نیک اعضای کنسرسیوم برساند. خلاصه

اینکه، ایران در تمام امور، از کوچکترین تا بزرگترین، تحت نظارت و کنترل مستقیم و دائم کنسرسیوم عمل خواهد کرد. قرارداد جدیدی که با بی پروائی تمام و گستاخی باور نکردنی، بدروغ، قرار داد «فروش و خرید» نفت جا زده میشود، به همه چیز جز قرار داد خرید و فروش شباهت دارد. قرار داد گذشته در پوشش و ماسک جدید است. میتوان گفت که اگر کنسرسیوم در گذشته ظاهرأ مقاطعه کاری بود که دولت ایران هیچگونه حق نظارت و کنترل بر آن نداشت، اکنون دولت ایران عملاً به مقاطعه کاری تبدیل شده است که کنسرسیوم حق نظارت کامل و کنترل دقیق بر تمام اعمال آن دارد.

مسعود

کشور همسایه ما افغانستان بجانب افقهای تازه ای پیش میرود

تدریجاً و گام بگام عملی خواهد ساخت و بدون آنکه دچار افراط یا تفریط شود، بسوی جلو قدم بر خواهد داشت رئیس جمهور خاطر نشان ساخت که وظیفه میرم عبارت است از خانم، دادن به تفاوت فاحش فقر و ثروت و تأمین وحدت کلیه نیرو های مترقی و مبین پرست در یک جبهه واحد و وسیع که شرط قاطع نیل به هدفهای است که مطرح شده است. خبرگزاری افغانی «باختر» اطلاع میدهد که اظهارات رئیس جمهور از طرف مردم افغانستان مورد حسن استقبال قرار گرفت و انعکاس مثبت داشته است. ما بنوبه خود امیدواریم که برنامه مترقی رژیم نوین افغانستان با همراهی مؤثر توده های خلق و بر پایه بسط یک دمکراسی واقعی بدون تبعیض تحقق یابد و اطمینان داریم که در آن صورت افغانستان خواهد توانست نقش مؤثری را در تسلیح و دفاع از حقوق حقه خلقها در منطقه و در قاره آسیا ایفاء کند. مردم ایران به علل متعدد تاریخی و بسبب همسایگی و همزبانی باعلاقه ای فراوان به تحولات افغانستان میگردند. خود واقعیت برجسته شدن بساط سلطنت و استقرار جمهوری در کشور همسایه ما افغانستان از طرف مردم ایران با شادی فراوان استقبال شد و تردید نیست که هر گام مثبتی که در سرزمین افغانستان برداشته شود با همین احساس از طرف همه مردم ایران و از طرف حزب توده ایران که بیانگر منافع مردم ایران است تلقی خواهد شد.

ما برای مردم برادر افغانستان و برای رژیم جدید جمهوری آرزو مند موفقیت های چشم گیر در اجراء وظایف مترقی مهمی که در برابر خود نهاده اند و شالوده رژیم یک افغانستان آباد، آزاد، مستقل و خرد هستیم.

اکنون شماره حساب بانکی بیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی و مجله بیکار بشر زیر است:

**Berlin
Deutsche
Außenhandelsbank A. G.
Konto-Nr. 9608-3131-0010**

قابل توجه خوانندگان گرامی

علاقتمندان به کتب «نشریات توده» از این پس تنها در صورت ارسال قبض پرداخت پول بحساب بانکی ما کتب درخواستی خود را دریافت خواهند کرد.

قابل توجه خوانندگان گرامی

برای آنکه در دریافت نشریات توده هیچگونه وقفه ای رخ ندهد، از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که تغییر آدرس خود را بموقع اطلاع دهند.